

بررسی آثار اقتصادی و اجتماعی طرح هدفمندی یارانه‌ها بر سطح رفاه خانوارها (نمونه موردی شهر تبریز)

علی‌رضا سلطانی^{۱*}
علی‌حیدری منور^۲

چکیده

پرداخت یارانه یکی از سیاست‌های اقتصادی برای برقراری عدالت اقتصادی و اجتماعی در جامعه و همچنین حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان در بسیاری از کشورها است. از آنجایی که طرح هدفمندی یارانه‌ها در رأس برنامه‌های تحول اقتصادی دولت در سال‌های اخیر قرار گرفته، این طرح جامعه را متأثر ساخته است. روش تحقیق حاضر، توصیفی - تحلیلی است که باهدف ارزیابی آثار اقتصادی و اجتماعی طرح هدفمندی یارانه‌ها بر میزان رفاه خانوارها انجام شده است. جامعه آماری ۳۸۴ خانوار ساکن در شهر تبریز می‌باشد. برای نمونه‌گیری از روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده گردید. گردآوری داده‌ها با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته بود که روایی صوری و محتوایی آن توسط گروهی از صاحب‌نظران موردبررسی و تأیید قرار گرفت. اطلاعات جمع‌آوری شده با استفاده از نرم‌افزار SPSS پردازش و مورد تحلیل قرار گرفت. همچنین برای آزمون فرضیه‌ها از آزمون تی دو و آزمون T تک نمونه‌ای استفاده شد. در نهایت نتایج نشان داد که در بعد اقتصادی، اجرای قانون طرح هدفمندی یارانه‌ها در قدرت خرید خانوارها تأثیر منفی داشته است و خانوارها با اجرای این طرح به میزان کمی توانسته‌اند برای اعضای خانواده خود مواد غذایی بهتری تهیه نمایند و کمتر توانسته‌اند برای خود و یا اعضای خانواده برخی کالاهایی را که تاکنون نخریده‌اند تهیه کنند. علاوه بر آن در بعد اجتماعی، این طرح در انسجام خانواده‌ها تأثیر مثبت داشته و اختلاف بین اعضای خانواده با پرداخت نقدی یارانه‌ها به میزان اندکی افزایش یافته است. همچنین این طرح در کاهش احساس نابرابری اجتماعی تا حدودی تأثیر منفی داشته و پرداخت نقدی یارانه‌ها به مقدار کمی باعث کم شدن فاصله طبقات فقیر و ثروتمند جامعه شده است.

واژگان کلیدی: هدفمندی، یارانه، رفاه، اقتصادی، اجتماعی، عدالت، شهر تبریز، پرداخت نقدی

۱- استادیار گروه روابط بین‌الملل، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران. soltani12@gmail.com
۲- دانشجوی دکتری علوم سیاسی سیاست‌گذاری عمومی، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران. aliheidarimonavar1358@gmail.com

مقدمه و بیان مسأله

اقتصاد ایران ده‌ها سال است که از معضلات مزمنی رنج می‌برد و با وجود اذعان دولت‌های مختلف به این معضلات، تاکنون گامی اساسی برای اصلاح ساختار اقتصادی کشور برداشته نشده است. دولت نهم با آگاهی از مشکلات ریشه‌ای اقتصاد کشور، تدوین طرحی بنیادین تحت عنوان "طرح تحول اقتصادی" را برای اصلاح ساختار اقتصادی کشور بر مبنای جهت‌گیری‌های سیاست‌های کلی اصل ۴۴ را کلید زد. بررسی‌های کارگروه تحول اقتصادی دولت نیز حاکی از آن بود که به‌منظور تحقق رونق اقتصادی، نظام مالیات، نظام گمرکی، نظام بانکی، چارچوب ارزش‌گذاری پول ملی، بهره‌وری، نظام توزیع کالا و خدمات و نیز نظام تخصیص و توزیع یارانه‌ها نیازمند اصلاحات ساختاری هستند تا اقتصاد کشور رونق یافته و به رشد و شکوفایی برسد (علی‌پور و همکاران، ۱۳۹۶: ۲).

در طرح تحول اقتصادی، برای اصلاح تمامی این بخش‌ها برنامه‌های جامعی تهیه شد و پیش از رونمایی از آن، در معرض نقد و نظر کارشناسان، اقتصاددانان و صاحب‌نظران مختلف قرار گرفت تا در حد امکان صیقل‌خورده و کامل‌تر شود. در این میان، هدفمند کردن یارانه‌ها، مهم‌ترین برنامه، میان برنامه‌های ۷ گانه طرح تحول اقتصادی بود که با آحاد مردم ارتباط دارد. این طرح، حرکتی در راستای اصلاح نسبی قیمت‌ها بوده و تلاش داشته است، برخی انحراف منابع را اصلاح کند. همچنین باعث استفاده بهینه از حامل‌های سوخت گردیده و از اسراف سوخت جلوگیری و به بهینه شدن و رقابتی شدن تولید کشور کمک می‌نماید (منصورفر و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۴۰).

ورود به دهه‌ای که دهه "پیشرفت و عدالت" نام‌گرفته است بیش‌ازپیش ضرورت اجرای طرح تحول اقتصادی توسط دولت را نشان می‌دهد. کارایی و عدالت، طلب می‌کند به‌جای پرداخت یارانه‌های همگانی و قیمتی که هم قیمت‌های نسبی به‌عنوان راهنمای سرمایه‌گذاری، تولید و مصرف را دچار اختلال می‌کند و هم به‌جای گروه‌های آسیب‌پذیر، گروه‌های برخوردار را بیشتر بهره‌مند می‌سازد، یارانه‌های هدفمند جایگزین شود. این امر، پیام اصلی طرح تحول اقتصادی در حوزه اصلاح نظام یارانه‌هاست (مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۸۸: ۳۳-۳۲).

تأمین رفاه از جمله مهم‌ترین اهداف هر نظام اقتصادی است و فراهم نمودن شرایط مناسب برای زندگی تمامی اقشار جامعه وظیفه‌ی اصلی کارگزاران و مسئولان اقتصادی کشور تلقی می‌شود. از این‌روست که تغییر در رفاه یا هم‌زمان با آن تغییر در فقر از جمله زمینه‌های ارزیابی نظام‌های اقتصادی به شمار می‌آید. رفاه با امنیت، معیشت، سلامت، بهداشت، شادکامی و

اقدامات تکمیلی همراه است. سهم این‌ها در ترسیم وضعیت مثبت اطمینان بخشی به ارزشی مهم است. این نقش‌ها خود را در داشتن مسکن مناسب، تغذیه کافی، شغل، سلامت، مشارکت در اجتماع محلی و درک شرافت نشان می‌دهد. توانایی فردی و جمعی با تأکید بر خوشبختی وابسته به منابع، دسترسی به ثروت و به‌کارگیری این منابع است. از آنجا که میزان رفاه اجتماعی خانوارها به میزان درآمد آن‌ها نیز بستگی دارد و توزیع مناسب درآمد باعث افزایش سطح رفاه اجتماعی و اقتصادی در کل جامعه و برای اکثریت خانوارها می‌شود، لذا توزیع عادلانه درآمد یکی از اهداف مهم دولت‌ها برای دستیابی به این هدف از برنامه‌های توسعه کشورها به شمار می‌آید. اعطای یارانه از جمله مهم‌ترین راه‌های انتقال درآمد، حمایت از اقشار آسیب‌پذیر، توزیع عادلانه درآمدها و ابزاری برای بهبود کارایی برنامه‌های فقرزدایی و دیگر برنامه‌های حمایت اجتماعی از اقشار آسیب‌پذیر است (طولابی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۰).

سیاست‌های حمایتی و پرداخت یارانه در ایران از سال ۱۳۱۱ آغاز گردید. پیش‌از این تاریخ به دلیل سکونت بالغ بر ۹۰ درصد جمعیت ایران در مناطق روستایی، پرداخت یارانه به این صورت رایج نبود. از سال ۱۳۰۰ به واسطه گسترش شهرنشینی، فقدان سیستم مناسب حمل‌ونقل و پیدایش خشک‌سالی، تأمین نان و امنیت غذایی مناطق شهرنشین اهمیت یافته و در سال ۱۳۱۱ قانونی جهت تشکیل سیلو در تهران تصویب و دولت اقدام به خرید و ذخیره‌سازی گندم در مواقع بحرانی نمود که این خود آغازی برای طرح و اجرای یارانه‌ها در ایران بوده است. در دهه ۱۹۸۰ میلادی هم‌زمان با اجرای برنامه‌های تعدیل در دنیا و در زمان جنگ تحمیلی، با افزایش لزوم برنامه‌های حمایت اجتماعی در ایران، حجم یارانه‌های غیرمستقیم به‌صورت کالایی، کالابری و سیاست کنترل قیمت‌ها افزایش یافت. با شروع دهه ۱۳۵۰ و افزایش قیمت جهانی نفت (سال ۱۳۵۳) و به پیروی از سیاست‌های تأمین اجتماعی و سایر حمایت‌های خاص در کشورهای توسعه‌یافته، دست دولت در پرداخت یارانه بازتر شد. در سال ۱۳۵۶ با تأسیس سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان، وظایف صندوق حمایت از مصرف‌کنندگان به آن واگذار شده و پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و تأکید بر حفظ و ارتقای رفاه اقشار کم‌درآمد و توزیع عادلانه درآمد در قانون اساسی، وقوع جنگ، کاهش سطح تولید، کمبود سوخت و دارو، خالی شدن ذخایر کالاهای اساسی، تورم، احتکار و پیدایش بازار سیاه، زمینه دخالت مستقیم دولت در امر تهیه و توزیع کالاهای اساسی باهدف ممانعت از کمبود و افزایش قیمت این کالاها فراهم شد. در همین راستا، دولت به‌منظور توزیع کالاهای یارانه‌ای با استفاده از نظام کالابری، در سال ۱۳۵۹ اقدام به تأسیس ستاد بسیج اقتصادی نمود. در ابتدا علاوه بر کالاهای اساسی نظیر قند و شکر، روغن نباتی، گوشت قرمز، مرغ، پنیر، کره، تخم‌مرغ و برنج توزیع کالاهایی همچون بنزین،

نفت سفید، گازوییل، سم و کود شیمیایی، روغن موتور و ... نیز از طریق کالا برگ انجام می‌شد. اما با افزایش فشارهای هزینه‌ای بر بودجه، دولت بسیاری از اقلام مشمول یارانه را کاهش داد و تا قبل از اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها، تنها به برخی از کالاهای اساسی و حامل‌های انرژی یارانه پرداخت می‌شد (کجباف، ۱۳۸۷: ۱۰-۶). پس از جنگ تحمیلی، با آغاز اجرای برنامه‌های پنج‌ساله توسعه کشور، با وجود جهت‌گیری‌های تعدیل اقتصادی در این برنامه‌ها، حجم یارانه‌ها به‌طور مداوم روند صعودی داشته است (رحیمی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۴: ۷۸).

نظام قبلی پرداخت یارانه به دلیل روش ناکارآمد پرداخت یارانه به مصرف، منجر به بی‌عدالتی، افزایش مصرف انرژی، قاچاق و تخریب محیط‌زیست گردیده و سرمنشأ بسیاری از عدم کارایی‌ها در تولیدشده بود. به همین دلیل تدوین نقشه راه اصلاح نظام یارانه کشور در قالب سه‌گام؛ اصلاح قیمتی و تدوین کلیه بسته‌های سیاستی و حمایتی در بخش‌های مختلف در فرایند اصلاح قیمت از اقداماتی بود که در این مرحله صورت پذیرفت. اصلاح نظام یارانه‌ای کشور که به یکی از آرزوهای مدیران و کارشناسان اقتصادی کشور تبدیل شده بود، به دلیل عدم طراحی برنامه منسجم برای اجرا که به کلیه ابعاد توجه لازم داشته باشد نتوانسته بود در هیچ‌یک از دولت‌های قبلی جامه عمل بپوشاند (فرزین و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۴-۱۳).

نخستین بار در برنامه اول توسعه در سال ۱۳۶۸ اصلاح قیمت انرژی گنجانده شد و در مجلس به تصویب رسید، اما در اجرا متوقف شد. در برنامه دوم توسعه، دولت اصلاح قیمت انرژی را پیشنهاد داد اما مجلس به دلایلی با آن موافقت نکرد. سرانجام در برنامه سوم توسعه دولت در ماده ۱۱۷ اصلاح قیمت انرژی را گنجانده که پس از بحث‌های چالشی در مجلس حذف گردید. در ماده ۳ برنامه چهارم موضوع اصلاح قیمت انرژی و اصلاح رابطه مالی دولت و شرکت نفت مطرح شد که به تصویب مجلس و تأیید شورای نگهبان رسید، اما بعداً ماده ۳ دوباره در مجلس هفتم حذف شد. بنابراین چنان‌که پیداست به‌طور مشخص طرح اصلاح یارانه‌ها اولین بار در برنامه سوم توسعه مطرح شد. ماده ۴۶ قانون برنامه سوم دولت را مکلف کرده است تا پایان سال دوم برنامه سوم مطالعات هدفمند کردن یارانه‌های حامل‌های انرژی، گندم، برنج، روغن نباتی، قند، شکر، پنیر، دارو، شیر خشک، کود، بذر و سم را انجام داده، از سال سوم برنامه اجرایی شود. همچنین ماده ۹۵ قانون برنامه سوم که دولت را مکلف کرده است از طریق هدفمند کردن یارانه‌ها و تخصیص برنامه‌های جامع عدالت اجتماعی را به اجرا بگذارد و نیز قانون توسعه حمل‌ونقل عمومی و مدیریت مصرف سوخت که در آن دولت مکلف شده است تا در جهت توسعه حمل‌ونقل درون‌شهری و برون‌شهری نسبت به بهینه‌سازی عرضه خدمات حمل‌ونقل، تولید خودرو و خروج بنزین و گازوئیل از سبد حمایتی حداکثر از ابتدای سال ۱۳۹۱ اقدام کند. البته در

قانون برنامه توسعه سوم و چهارم، اصلاح یارانه‌ها هیچ‌گاه به صورت یک قانون مرجع و در سرلوحه تصمیم‌های دولت‌های وقت مطرح نشد. بلکه در حاشیه و کنار قوانین و تصمیم‌های اقتصادی دیگر ارائه گردید. این نکته بدون شک یکی از تفاوت‌های تصمیم دولت دهم با دولت‌های پیشین است زیرا در این دوره طرح هدفمندی یارانه‌ها به عنوان محور برنامه‌های دولت به منصف ظهور رسیده است (اندیشکده سیاست‌های راهبردی اقتصاد و مدیریت، ۱۳۹۷: ۱۶-۱۷).



مسیر زمانی تلاش و نیل به هدفمندی یارانه‌ها پس از انقلاب اسلامی (مصطفی‌نژاد و یزدانی زازرانی، ۱۳۹۲)

به لحاظ شکلی و ماهوی قانون هدفمندی یارانه‌ها مصداق بارز سیاست‌گذاری اقتصادی است که بر اساس فرآیند سیاست‌گذاری در ایران در سال ۱۳۸۸ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و جهت اجرا به دولت ابلاغ گردید تا از ابتدای سال ۱۳۸۹ به اجرا گذارده شود (توحید فام و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۲). در توجیه اعمال سیاست حذف یارانه‌ها در راستای اهداف عدالت، کاهش تورم و رقابت‌پذیر شدن اقتصاد، دولت به درستی بر این باور بود که خانوارهای ثروتمندتر بخش بزرگ‌تری از یارانه‌ها را به خود اختصاص می‌دهند و از این رو می‌بایست یارانه‌ها را هدفمند نمود. معنی هدفمند کردن یارانه‌ها بسیار روشن است و بدان معنا است که یارانه‌ها بایستی فقط نصیب افراد با درآمد پایین شود (بخشوده، ۱۳۸۹: ۳۰).

قانون هدفمندی یارانه‌ها دارای دو محور اساسی است که یکی از آن‌ها آزادسازی قیمت‌ها و دیگری توزیع هدفمند یارانه‌ها است. محور بخش اول که در خصوص آزادسازی قیمت‌ها است، بیشتر بر یارانه دولت در بخش حامل‌های انرژی متمرکز است. محور بخش دوم، بحث توزیع هدفمند یارانه‌هاست. با آزادسازی و واقعی شدن تدریجی قیمت‌ها، بحث شناسایی جامعه هدف و افرادی که به طور مستقیم و غیرمستقیم در اثر اجرای این سیاست‌های اقتصادی، تمام یا بخشی از درآمد خود را از دست می‌دهند و یا به هر نحو دیگری در معرض آسیب قرار می‌گیرند، مورد توجه دولت قرار گرفت (علیزاده، ۱۳۸۹: ۹۷). بر اساس این قانون مقرر گردید از منابع حاصل از اصلاح قیمت حامل‌های انرژی ۵۰ درصد صرف پرداخت نقدی و غیر نقدی به خانوارها،

براساس سطح درآمد آن‌ها، ۳۰ درصد جهت کمک به تولید و ۲۰ درصد نیز صرف جبران آثار اجرای هدفمندی یارانه‌ها بر اعتبارات هزینه‌ای و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای بودجه دولت گردد (قانون هدفمندی یارانه‌ها، ۱۳۸۸). اما، دولت در فاز اول هدفمندی و در طی ۴۰ ماه (از آذرماه ۱۳۸۹ الی فروردین ۱۳۹۳) اقدام به پرداخت نقدی به‌صورت همگانی به مبلغ ۴۵۵۰۰ به هر شخص نمود که این عمل در فاز دوم هدفمندی نیز با همین مبلغ ادامه یافت (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۱۹).

مزایا و معایب هدفمند کردن یارانه در ایران

هدفمندسازی یارانه‌ها، به‌عنوان یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر در کشور، هم دارای آثار مثبت و هم دارای پیامدهای منفی خواهد بود. برخی از مزایا و مشکلات این قانون در اقتصاد کشور به شرح ذیل خواهد بود:

الف- عمده مزایای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها

- ۱) تحقق عدالت اجتماعی
- ۲) تخصیص بهینه منابع
- ۳) مدیریت مصرف
- ۴) جلوگیری از اتلاف منابع
- ۵) اصلاح نظام تولید و توزیع منابع بانکی و ثروت (شفاف‌سازی اقتصادی)
- ۶) افزایش بهره‌وری و اثربخشی در فعالیت‌ها و اقتصاد در سطوح خرد و کلان
- ۷) تقویت پول ملی
- ۸) ایجاد ثبات اقتصادی و رشد سرمایه‌گذاری
- ۹) مشارکت مردم در مدیریت مصرف منابع ملی
- ۱۰) افزایش توان صادراتی کشور به دلیل رشد مصرف داخلی

ب- عمده مشکلات قانون هدفمند کردن یارانه‌ها

- ۱) افزایش نرخ تورم و بیکاری
- ۲) تأثیر منفی بر سطح سلامت جامعه و به‌تبع آن افزایش هزینه‌های دولت در درازمدت
- ۳) انتقال افزایش هزینه‌های تحمیل‌شده طبقات بالای درآمدی به دیگران (علیزاده، ۱۳۸۹: ۹۸)

پرداخت نقدی یارانه‌ها

پرداخت نقدی یارانه‌ها به‌عنوان یک روش هدفمند، چند سالی است که در مراکز پژوهشی در حال بررسی است. برخی از صاحب‌نظران معتقد به پرداخت مستقیم یارانه به‌صورت نقدی هستند، تا ضمن افزایش کارایی نظام تولیدی کشور، خانوارها خودشان انتخاب کنند و تصمیم‌گیری عقلانی برای مصرف درآمدشان را نیز خود انجام دهند. در مقابل برخی از دیگر محققان، با ارائه دلایلی مانند ضرورت امنیت غذایی، نرخ تورم بالا و موارد دیگر، پرداخت یارانه کالاهای اساسی را به‌صورت غیرمستقیم مؤثر می‌دانند. در این باره نظرات موافقان و مخالفان پرداخت نقدی یارانه‌ها در جدول ذیل آمده است.

جدول (۱): نظرات موافقان و مخالفان پرداخت نقدی یارانه‌ها (اصلاح نظام پرداخت یارانه کالاهای اساسی - با تأکید بر هدفمندی، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۸۵)

ردیف	موافقین	مخالفان
۱	نقدی کردن باعث جذب نقدینگی و افزایش نقدی کردن باعث تورم و در نتیجه افزایش قیمت سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به علت واقعی کالاهای اساسی خوراکی و خالی شدن سفره شدن قیمت‌ها می‌شود.	خانوارهای کم‌درآمد می‌شود.
۲	نقدی کردن موجب کاهش واردات و حتی امکان نقدی کردن باعث کاهش اثر پرداخت یارانه در سیکل افزایش صادرات به علت کاهش مصرف و پرهیز بعدی به علت انتظارات تورمی می‌شود. از اسراف می‌شود.	
۳	نقدی کردن باعث سازمان‌دهی بهتر منابع در به علت عدم وجود سیستم پرداخت یارانه نقدی در فرآیند تولید می‌شود.	کشور، این امر امکان‌پذیر نیست.
۴	نقدی کردن باعث کاهش هزینه سنگین روش باعث راحتی انتقال تورم ناشی از این اقدام به کنونی پرداخت یارانه‌ها نسبت به اثربخشی تهیدستان توسط ثروتمندان می‌شود. ضعیف آن در کمک به افراد کم‌درآمد می‌شود.	
۵	نقدی کردن باعث افزایش کارایی نظام اقتصادی ایجاد انتظارات تازه در کشور که باعث تغییرات رفتاری از طریق آزادسازی قیمت کالاهای یارانه‌ای می‌شود و ناکارایی، بی‌عدالتی و انحراف فرهنگی بسیار شدیدی را در پی دارد (انحراف فرهنگی دریافت مزد بدون کار)	
۶	نقدی کردن موجب کاهش مصرف کالاهای باعث عدم کاهش مصرف در مورد کالاهای یارانه‌ای و بهینه کردن مصرف این کالاها کم‌کسب در صورت افزایش قیمت و کاهش منافع نقدی کردن یارانه نسبت به ضرر ناشی از تورم حاصل می‌شود.	از بالا رفتن قیمت این نوع کالاها می‌شود.

ادامه جدول (۱)

ردیف موافقین	مخالفان
۷	نقدی کردن باعث برقراری عدالت اجتماعی، باعث مصرف غیرضروری به‌خصوص در دهک‌های برابر کردن توزیع در مصرف از طریق کاهش اول تا سوم در صورت پرداخت یارانه نقدی در مورد شکاف بین مصرف‌کنندگان و خدمات بین کالاهای اساسی و دارو می‌شود. گروه‌های درآمدی از یک‌طرف و بین جامعه شهری و روستایی، از طرف دیگر می‌شود.
۸	نقدی کردن باعث کاهش ضایعات و همچنین در مورد نان بررسی‌ها نشان می‌دهد خانوارهای جلوگیری از مفاسد مالی می‌شود. کم‌درآمد سهم ۲۰ درصدی از یارانه نان می‌برند درحالی‌که خانوارهای پردرآمد سهم ۲ درصدی از یارانه‌های نان می‌برند.
۹	نقدی کردن موجب ارتقای مهارت‌های فنی در اطمینان بخشیدن به مردم در دریافت پول به‌صورت تولید می‌شود. نقدی از سوی دولت مشکل است.
۱۰	نقدی کردن سبب شفاف‌سازی در پرداخت یارانه موجب بی‌ثباتی در اقتصاد کشور و کاهش رفاه عمومی و همچنین منطقی‌تر شدن توزیع می‌شود. به دلیل افزایش تورم و افزایش بار مالی قیمت‌ها بر دوش فقرا می‌شود.
۱۱	نقدی کردن باعث جلوگیری از مصرف نان در مطالعات مختلف دلالت بر آثار تورمی حداقل ۱۰ خوراک غیرانسانی می‌شود. درصدی نقدی کردن یارانه‌ها علاوه بر تورم فعلی دارد.

اجرای این قانون، تأثیرات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را در زندگی افراد جامعه داشته است که شناخت پیامدهای مثبت و منفی آن از اهمیت بسیاری برخوردار است، چراکه می‌تواند چراغ راهنمای مجریان، برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران کشور باشد تا از تأثیرات ناخواسته آن در ادامه کار جلوگیری نمایند.

پیامدهای اقتصادی منفی می‌تواند شامل این موارد باشد:

- (۱) افزایش قیمت نهاده‌های تولید.
- (۲) ظهور و بروز تورم و هزینه نهاد تولید.
- (۳) احتمال افزایش تقاضای کل.
- (۴) افزایش هزینه دولت در مصرف انرژی
- (۵) دوران تورمی و کاهش تولیدات.

۶) دارائی‌های صاحبان درآمدهای متغیر.

۷) انتقال هزینه‌های تحمیل‌شده طبقات بالای درآمدی به دیگران.

۸) توزیع مجدد درآمد و دریافتی‌های نسبی.

۹) روی آوردن به مشاغل و فعالیت‌های غیراستاندارد.

پیامدهای اقتصادی مثبت:

بر اساس برنامه توسعه اقتصادی پنجم، شاخص استاندارد اندازه‌گیری نابرابری درآمدی، باید در پایان برنامه پنجم، در سال ۱۳۹۳ به ۳۵ درصد کاهش می‌یافت، با توجه به اینکه این ضریب در سال ۸۶، ۴۴ درصد بوده و در سال‌های پس از پیروزی انقلاب، بین ۴۰ تا ۴۵ درصد در نوسان بوده است، این به معنای کاهش در میزان نابرابری درآمدی در ایران محسوب می‌شود (اصفهانی، ۱۳۹۶: ۴۹). تخصیص بهینه منابع، افزایش بهره‌وری و کارایی اقتصادی، از رهگذر اصلاح ساختار قیمت، افزایش درآمد شرکت‌ها و سود سهام، افزایش قدرت خرید، گسترش سرمایه‌گذاری، کاهش فعالیت بازار سیاه، تعیین سطح طبیعی قیمت کالاها و خدمات از پیامدهای مثبت هستند.

برخی از اشکالات و نگرانی‌های ناشی از اجرای این طرح در حوزه مسائل اجتماعی شامل این موارد است:

۱- در شرایط یک اقتصاد مصرف‌زده، پرداخت نقدی یارانه، صرف کالاهای غیرضرور یا پر کردن خلأهای هزینه‌ای خانوار می‌شود و اگر این کار همراه با کاهش یارانه کالاهای اساسی باشد، منجر به کاهش مصرف کالاهای اساسی می‌شود و این موضوع می‌تواند از منظر به خطر انداختن سلامت جامعه قابل توجه باشد.

۲- پرداخت نقدی یارانه‌ها در جامعه‌ای که دچار فشار تقاضا است، می‌تواند سازوکار هزینه خانوار را به هم بریزد. افزایش درآمد بدون کار صورت گرفته می‌تواند منشأ یک نابسامانی در هزینه‌های خانواده باشد. از این بابت تأکید می‌شود که رشد درآمدی هر خانواری بایستی به صورت تدریجی و متناسب با کار انجام‌شده و همراه با سطح برخورداری‌های فرد یا خانوار انجام شود. در غیر این صورت نحوه هزینه کردن درآمد اضافه، هم برای خانواده و هم جامعه مضر است.

۳- الگوی مصرف بایستی بر مبنای الگوی درآمدی یک خانوار تعریف شود. همواره تغییرات در الگوی مصرفی پس از تغییرات الگوی درآمدی و با یک اختلاف فاز منطقی صورت می‌گیرد. با این مختصر اگر الگوی مصرفی یک خانوار بیش از الگوی درآمدی تغییر کند می‌تواند یک تهدید به حساب آید.

۴- یکی از آثار اجتماعی نقدی سازی یارانه‌ها تغییر فرهنگ کار است. یارانه نقدی پرداختی در تعدادی از دهک‌ها از درآمد طبیعی و ماهانه یک خانوار بیشتر است. از این رو ممکن است با پرداخت مستقیم یارانه به‌نوعی تن‌پروری و فرار از کار در این خانوارها ایجاد شود که می‌تواند از حیث اجتماعی و اقتصادی بسیار نگران‌کننده باشد.

۵- افزایش درآمد خانواده باعث می‌شود تا سطح توقع اعضای خانواده بالا برود. این در حالی است که این افزایش درآمد با تورم از بین می‌رود.

با توجه به مطالب گفته‌شده و اینکه سیاست‌گذاری‌های دولت در زمینه یارانه و پرداخت نقدی آن تا چه حد توانسته رضایتمندی اجتماعی افراد جامعه را جلب کرده و رفاه عمومی را ایجاد کرده باشد قابل‌تأمل و بررسی علمی می‌باشد. از این رو این پژوهش در نظر دارد با بررسی علمی و انتقادی، این پدیده اقتصادی و اجتماعی کشور را مورد تحلیل قرار داده و میزان رضایتمندی افراد و سطح رفاه خانوارها را در خصوص بحث یارانه‌ها با این سؤال که طرح هدفمندی یارانه‌ها چه تأثیری بر سطح رفاه خانواده‌ها در شهر تبریز داشته است، را از طریق نظرسنجی مورد کنکاش قرار دهد.

مبانی نظری تحقیق

واژه فارسی "یارانه" که تا پیش از ابتکار فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی تحت عنوان "سوبسید" از آن یاد می‌شد، معمولاً معنای کمک، کمک مالی، اعانه، امداد یا معادل آن را به همراه دارد. اقتصاددانان از مفاهیم گوناگونی برای تعریف یارانه استفاده می‌کنند و بر این اساس تعاریف ارائه‌شده از یارانه در حوزه‌های مختلف دارای طیف وسیعی است. با این حال انتخاب تعریف یارانه نه تنها از دید آکادمیک بلکه از دید سیاست‌گذاران هم بسیار مهم می‌باشد؛ چنانکه بسته به نوع تعریف یارانه و انتخاب نوع حمایت‌های دولت برای اصلاحات، اثر این اصلاحات در یارانه می‌تواند منجر به نتایج و اثرات متفاوت و حتی در برخی موارد متضاد بشود. در تعریفی نسبتاً جامع از یارانه که همه ارکان آن از جمله نوع پرداخت، دوره پرداخت، نهاد پرداخت‌کننده، حوزه پرداخت و هدف از پرداخت را در خود داشته باشد می‌توان گفت یارانه عبارت است از پرداخت انتقالی بلاعوض نقدی و غیر نقدی (به صورت مابه‌التفاوت هزینه بهره‌مندی و هزینه تمام‌شده) که به صورت مستقیم و غیرمستقیم برای افزایش قدرت خرید واقعی مصرف‌کنندگان یا افزایش قدرت فروش تولیدکنندگان، عادلانه تر کردن توزیع درآمد، ثبات اقتصادی و جبران آثار ناشی از سیاست‌های دولت به‌منظور حفظ یا ارتقای رفاه اجتماعی اعطا می‌شود (عطایی، ۱۳۸۷: ۳).

یارانه‌ها را از لحاظ هدف‌های دولت، مراحل پرداخت، چگونگی طبقه‌بندی در حساب‌های ملی، چگونگی انعکاس در حساب‌های ملی و چگونگی توزیع می‌توان به پنج گروه تقسیم کرد که در جدول زیر بیان شده است.

جدول (۲): انواع یارانه

انواع یارانه	بر اساس دسته‌بندی یارانه
اقتصادی، توسعه‌ای، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی	بر اساس هدف‌های دولت
مصرفی، تولیدی، توزیعی، خدماتی و صادراتی	بر اساس مراحل پرداخت
مستقیم و غیرمستقیم	بر اساس چگونگی طبقه‌بندی
آشکار و پنهان	بر اساس چگونگی انعکاس حساب‌های ملی
یارانه باز، یارانه سرانه و یارانه هدفمند	بر اساس چگونگی توزیع

فلسفه پرداخت یارانه کمک به افراد و گروه‌های فقیر جامعه (به‌ویژه دهک‌های پائین درآمدی) از یک طرف و منطقی کردن فاصله بین دهک‌های درآمدی از طرف دیگر است. در صورتی که این هدف محقق نشود نیازمند هدفمندی در پرداخت هستیم. لذا در برداشتی کلی و ساده، برنامه هدفمندی به معنای افزایش سطح برخورداری گروه‌های آسیب‌پذیر از حمایت‌های ارائه‌شده دولت است (عطایی، ۱۳۸۷: ۴).

در واقع رویکرد هدفمندی در عرصه سیاست‌های تأمین اجتماعی و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر به معنای کاهش سهم طبقات بالای درآمدی و افزایش سهم طبقات پایین درآمدی از یارانه‌ها است؛ واضح است که هدف از اجرای طرح هدفمندی، ایجاد سیستمی کارآمد جهت حمایت از اقشار آسیب‌پذیر جامعه است؛ به عبارت دیگر قصد دولت‌ها، تضمین حداقل سطح رفاه برای قشرهایی است که در صورت فقدان چنین حمایتی، قادر به دسترسی به این سطح از رفاه نخواهند بود. هدفمندسازی یارانه‌ها دو هدف عمده را دنبال می‌کند که هدف اول ابزاری برای کمک به افراد کم‌درآمد، فقیر و کسانی است که درآمدها از کسب‌وکار به دلایل مختلف، معیشت آن‌ها را تضمین نمی‌کند و پایین‌تر از حد قابل قبول است و هدف دوم، به فعل رساندن امکانات بالقوه در بخش‌های مختلف جغرافیایی و اقتصادی است. قاعدتاً این سیاست باید موجب افزایش توان مالی اقشار آسیب‌پذیر برای تأمین مایحتاج روزانه خود شود و تا حد زیادی هدف فقرزدایی دولت را تحقق بخشد (نوراللهی و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۸).

رفاه اجتماعی عبارت از مجموعه سازمان‌یافته‌ای از قوانین، مقررات، برنامه‌ها و سیاست‌هایی است که در قالب مؤسسات رفاهی و نهادهای اجتماعی به منظور پاسخگویی به منظور نیازهای

مادی و معنوی و تأمین سعادت انسان ارائه می‌شود تا زمینه رشد و تعالی او را فراهم آورد. شاخص‌هایی که در ایران برای رفاه اجتماعی در نظر گرفته می‌شود، عبارت‌اند از: آموزش و پرورش، بهداشت، درمان، تغذیه، مسکن، اشتغال جمعیت و نیروی انسانی، هزینه و درآمد تأمین اجتماعی. گذران اوقات فراغت، دسترسی به تسهیلات فرهنگی، محیط‌زیست و امنیت فرد در برابر تجاوزات مالی و جانی. بی‌تردید رفاه اجتماعی محصول فرآیند توسعه اقتصادی است و توسعه اقتصادی زمانی رخ می‌دهد که فقر از میان برود (قاسمی، ۱۳۹۲: ۵).

رفاه اقتصادی، ذاتاً نیازمند برخی از قضاوت‌های اخلاقی و آماری است و ابعاد مختلف بسیاری در برابر رفاه وجود دارد. بنابراین با یک عدد شاخص، به تنهایی، نمایش اهمیت ارزش قضاوت‌ها و انتخاب مقایسه فنی در ساخت شاخصی برای رفاه اقتصادی مشکل است. بنابراین پیشنهاد شده است که شاخص رفاه اقتصادی باید بر مبنای شاخص‌های مصرف، انباشت، نابرابری و ناامنی باشد؛ که همراه با آن شناخت روشنی از اوزان هر یک از این اجزا بسته به ارزش‌های متفاوت مشاهده‌گران وجود داشته باشد.

مبنای نظری یارانه‌های هدفمند نقدی، نظریه نئوکلاسیک است. در چارچوب این نظریه فرض بر این است که بهترین سازوکار ساماندهی فعالیت‌های اقتصادی سازوکار بازار آزاد است، بنابراین هرگونه دخالتی در ورای موارد مربوط به شکست‌های بازار که در جهت دسترسی به "بهینه دوم" است، مردود شناخته می‌شود. دخالت‌های مرتبط با موارد شکست بازار نیز باید به نحوی صورت گیرد که تأثیری در نظام قیمت‌ها ایجاد نکند و به اختلال‌های قیمتی نینجامد. از این منظر، یارانه‌های همگانی قیمتی (غیرنقدی) که دولت از طریق تثبیت قیمت‌ها پرداخت می‌کند، مانع از کارکرد مطلوب و بهینه سازوکار بازار آزاد می‌شود؛ در نتیجه، به تخصیص غیربهینه منابع و در نهایت رشد کمتر اقتصادی می‌انجامد. به این صورت، استدلال می‌شود که چنین یارانه‌هایی به نقض غرض می‌انجامد؛ یعنی به دنبال افزایش رفاه فقرای جامعه است، ولی از طریق اختلال‌ها و کنترل‌های ایجاد شده، مانع از انباشت سرمایه جدید، ایجاد مشاغل جدید و افزایش درآمدهای اولیه چنین خانوارهایی می‌گردد. نتیجه اینکه، حذف چنین یارانه‌هایی لازمه دسترسی به رشد اقتصادی بالاتر و افزایش درآمد سرانه فقرای جامعه است؛ در صورت نیاز به پرداخت یارانه باید از یارانه‌های هدفمند نقدی استفاده کرد که اختلالی در نظام قیمت‌ها ایجاد نمی‌کند. یارانه‌های هدفمند قیمتی (غیرنقدی) نیز به‌رغم دامنه پوشش محدودتر، به دلیل اثرگذاری قیمتی ولو در سطحی کوچکتر، از این نگاه مورد تأیید نیست (دینی ترکمانی، ۱۳۸۹: ۱۵۷).

در مقام سیاست گذاری برنامه حذف یارانه‌های همگانی و جایگزینی یارانه‌های هدفمند، از برنامه "تعدیل ساختاری و تثبیت اقتصادی" است که از اوایل دهه ۱۹۸۰ در پاسخ به ناتوانی‌های

تجاری و بودجه‌ای اقتصادها، چه در کشورهای پیشرفته و چه در کشورهای توسعه نیافته، طراحی و از طریق صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی به کشورهای مختلف تجویز شد. در چارچوب مبانی نظری سیاست‌های تعدیل (بر پایه رویکرد نئوکلاسیک)، پرداخت یارانه‌های همگانی از طریق کنترل‌های قیمتی و همین‌طور نظام تامین اجتماعی مداخله‌گرا، مانع رشد اقتصادی محسوب می‌شد. آثار این سیاست‌ها در دهه ۱۹۸۰ م. از یک سو کاهش انباشت سرمایه به (دلیل کاهش مخارج دولتی) و از سوی دیگر افزایش فقر به دلیل رهاسازی قیمت‌ها کالاهای اساسی و کاهش دستمزدهای واقعی بود. به این دلیل در ابتدای دهه ۱۹۸۰ یونیسف تلاش کرد تا جامعه جهانی را متوجه این مساله کند، اما از آنجا که فقر برای صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی مساله‌ای حاشیه‌ای بود؛ که به تدریج با کارکرد اثر "رخنه به پائین" حل خواهد شد، توجهی به پیامدهای منفی سیاست‌های تعدیل و تثبیت نشد تا این که در سال ۱۹۸۷ یونیسف برنامه "تعدیل با چهره انسانی" را معرفی کرد. از این سال بانک جهانی ارزیابی آثار منفی سیاست‌ها را در دستورکار خود قرار داد و جبران آثار منفی وارد بر خانوارهای فقیر در دوره اجرای سیاست‌های انقباضی توصیه شد (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۲: ۱۲). بدین صورت در دهه ۱۹۹۰ بحث جایگزینی یارانه‌های هدفمند به جای یارانه‌های همگانی پیش آمد و به طور کلی تور ایمنی اجتماعی در چارچوب سیاست‌های تعدیل قرار گرفت. در چارچوب این رویکرد جدید (تعدیل با چهره انسانی) فرض می‌شود که با تامین تور اجتماعی و پوشش حمایتی خانوارهای فقیر در دوره گذار اصلاحات اقتصادی، هم امکان تحرک رشد اقتصادی وجود دارد و هم امکان ممانعت از آسیب‌پذیری اقشار فقیر فراهم می‌شود. بررسی مبانی نظری طرح شده توسط سیاستگذاران هدفمندی یارانه‌ها در ایران نیز حاکی از اتکاء بر رویکرد نئوکلاسیک و پیروی از سیاست‌های تعدیل است؛ که البته در دوره اخیر به روش شوک درمانی اجرا گردید (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۲: ۱۳).

بررسی مبانی نظری موجود در رابطه با پرداخت‌های نقدی در دنیا حاکی از این واقعیت است که این برنامه‌ها در واقع یکی از انواع برنامه‌های تور ایمنی هستند که در شکل‌های متنوعی در کشورهای مختلف به اجرا در می‌آیند. به طور کلی، حوزه‌های سنتی حمایت اجتماعی عبارتند از: مداخله دولت در بازار کار، بیمه‌های اجتماعی و تورهای ایمنی. در واقع، مفهوم تور ایمنی مبتنی بر کاهش شدت فقر از طریق بازتوزیع منابع در کشور است. به طور کلی، تورهای ایمنی چهار هدف عمده را دنبال می‌کنند:

- اثر فوری بر کاهش نابرابری و فقر شدید؛

- توانمند کردن خانوارها در راستای سرمایه‌گذاری برای دستیابی به آینده‌ای بهتر؛

-مدیریت ریسک اجتماعی؛

-کمک به دولت برای لجام اصلاحات مناسب اقتصادی و اجتماعی.

بنابراین، می‌توان گفت تور ایمنی مجموعه‌ای منظم و هماهنگ از سیاست‌های اجتماعی است که برای کاهش فقر، کاهش نابرابری، مدیریت ریسک اجتماعی و نیز اعمال حمایت‌های اجتماعی طراحی شده است (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۲۳).

با توجه به طرح هدفمندی یارانه‌ها توسط دولت، طراحی تور ایمنی متناسب با هدف اصلاحی دولت گامی اساسی در اجرای بهینه طرح تحول اقتصادی قلمداد می‌گردد؛ به ویژه اینکه در برنامه هدفمندسازی یارانه‌ها، موضوع بازتوزیع منابع آزاد شده یا هدف جبران کسری درآمد خانوارها و گروه‌های آسیب‌پذیر یکی از اولویت‌های اصلی در اجرای برنامه است.

جدول (۳): مقایسه سیستم بر مبنای وجود یارانه و سیستم بر مبنای توزیع هدفمند یارانه‌ها (علیزاده، ۱۳۸۹)

رویکردها	سیستم بر مبنای وجود یارانه	سیستم بر مبنای یارانه هدفمند
تحقق عدالت اجتماعی	نامناسب و ناکارآمد و سهم کم دهک‌های پایین جامعه از یارانه	با شناسایی درست جامعه هدف می‌تواند عادلانه شود
تخصیص بهینه منابع	امکان وجود فساد و رانت و افزایش اتلاف منابع	حذف فساد و رانت ناشی از هدفمند نبودن یارانه‌ها و کاهش اتلاف منابع
مدیریت مصرف	مصرف بیش از اندازه کالاها و انرژی به دلیل پایین بودن قیمت	ایجاد فرهنگ درست و منطقی مصرف در میان افراد جامعه
رشد اقتصادی	کاهش رشد اقتصادی	شکوفایی و رونق اقتصادی در بلندمدت
محیط زیست	آلودگی محیط زیست به دلیل مصرف بی‌رویه انرژی	کاهش آلودگی به دلیل بهینه شدن و درست مصرف کردن انرژی و جایگزینی انرژی‌ها با انرژی پاک و مثبت
سرمایه گذاری	ایجاد بازارهای موازی و قاچاق و کاهش سرمایه گذاری	گسترش و رشد سرمایه گذاری
شفافیت‌سازی قیمت‌ها	شکاف بین قیمت‌های داخلی و منطقه‌ای	از بین رفتن شکاف بین قیمت‌ها و افزایش توان صادراتی کشور
کارایی نظام اقتصادی	تخریف قیمت‌ها و عدم کارایی نظام اقتصادی	افزایش کارایی نظام اقتصادی از طریق اصلاح قیمت‌ها و تخصیص بهینه منابع

فرضیه‌های پژوهش:

براساس مدل ارائه شده، این پژوهش دارای فرضیه به شرح زیر است:

فرضیه اول: اثر طرح هدفمندی یارانه‌ها بر قدرت خرید خانوارها مثبت و معنی دار است.

فرضیه دوم: اثر اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها بر صرفه‌جویی در مصرف انرژی مثبت و معنی‌دار است.

فرضیه سوم: اثر اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها بر تغییر مصرف مواد غذایی خانوارها مثبت و معنی‌دار است.

فرضیه چهارم: اثر اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها بر انسجام خانوادگی مثبت و معنی‌دار است.
فرضیه پنجم: اثر اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها بر کاهش احساس نابرابری اجتماعی مثبت و معنی‌دار است.

پیشینه تحقیق

مطالعات انجام‌شده داخلی

۱. ابراهیمی و ورکیانی (۱۳۹۱)، بررسی تأثیر طرح هدفمند کردن یارانه‌ها بر سبد مصرفی خانوار روستای بخش‌آباد شهرستان دامغان، پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی؛ در این پژوهش سبد مصرفی خانوار به‌عنوان متغیر وابسته در چهار بعد رفتار مصرفی خانوار، سبد بودجه و هزینه خانوار، رضایتمندی از تأمین نیازهای خانوارها و سطح رفاه آن‌ها موردسنجش قرار گرفته است. همچنین طرح هدفمند کردن یارانه‌ها در این پژوهش به‌عنوان متغیر مستقل است که سنجش آن از طریق بررسی وضعیت متغیر وابسته در دو مقطع زمانی قبل و بعد از اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها انجام‌گرفته است. عمده‌ترین نتایج تحقیق عبارت است از اینکه مابین هر چهار بعد متغیر وابسته، یعنی رفتار مصرفی خانوارها، سبد بودجه و هزینه خانوار، رضایتمندی از تأمین نیازها و سطح رفاه خانوار، قبل از اجرای طرح در مقایسه با بعد از اجرای طرح، تفاوت معناداری مشاهده شد، بدین معنا که میزان خرید و مصرف کالاها و خدمات سبد مصرفی خانوار توسط آن‌ها، میزان مخارج هزینه شده برای تهیه کالاها و خدمات سبد مصرفی خانوار توسط آن‌ها، میزان رضایتمندی آن‌ها از تأمین نیازهایشان و همچنین سطح رفاه و بهزیستی آن‌ها، افزایش داشته است. بنابراین طبق نتایج تحقیق مابین سبد مصرفی خانوار در روستای بخش‌آباد دامغان، قبل و بعد از اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها تفاوت معناداری مشاهده شد.

۲. تحقیق با عنوان "ارزیابی پسینی اجرای فاز نخست اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها از منظر نتیجه‌بخشی از زمان اجرا تا پایان سال ۱۳۹۱" توسط مصلی‌نژاد و یزدانی زازرانی (۱۳۹۲) انجام‌گرفته است؛ این پژوهش در پی پاسخ به این سؤال که آیا قانون هدفمند کردن یارانه‌ها به

اهداف موردنظر سیاست‌گذار دست‌یافته است؟ تحقیق حاضر در تلاش برای یافتن پاسخ، با اتکای به الگوی مرحله‌ای سیاست‌گذاری عمومی، به ارزیابی پسینی قانون هدفمند کردن یارانه‌ها بر اساس معیار نتیجه‌بخشی پرداخته و میزان تحقق هر یک اهداف موردنظر سیاست‌گذار را بر اساس شاخص‌های معتبر (بر مبنای آمارهای رسمی بانک مرکزی، مرکز آمار ایران و سازمان‌های بین‌المللی) موردبررسی قرار داده است. یافته‌های بررسی حاکی از آن است که در زمینه توزیع درآمد علیرغم بهبود شاخص جینی و سهم مصرف دهک‌های بالا و پایین، کاهش در سایر شاخص‌های مؤثر بر توزیع درآمد (تورم، نقدینگی، رشد اقتصادی، بیکاری و غیره) نتیجه به‌دست‌آمده را خنثی کرده است. در زمینه کاهش قاچاق و کاهش مصرف و بهره‌وری حامل‌های انرژی نیز تغییرات مثبتی را شاهد نبوده‌ایم و لذا اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها توسط دولت دهم در مقام ارزیابی موفقیت‌چندانی در تحقق معیار نتیجه‌بخشی (تحقق اهداف) نداشته است.

۳. طولابی‌نژاد، فراهانی و پیرایش (۱۳۹۲)، در طی مقاله‌ای به ارزیابی یارانه‌های نقدی بر رفاه اقتصادی و اجتماعی خانوارهای روستایی در دهستان جایدگر شهرستان پلدختر پرداخته‌اند؛ نتایج یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که در بحث رفاه اقتصادی پیش‌ترین تأثیر یارانه‌ها مربوط به مؤلفه افزایش میزان تقاضای خانوار و میزان مصرف مواد غذایی می‌باشد. در بقیه شاخص‌ها نیز اثرگذاری مطلوبی داشته است. در بحث رفاه اجتماعی، بیش‌ترین تأثیر اجرای این طرح در شاخص‌های میزان دسترسی به خدمات بوده در شاخص بهبود موارد تغذیه‌ای و میزان تنوع رژیم غذایی دارای اثرات مطلوب بوده اما در شاخص‌هایی مانند بهره‌مندی از خدمات بهداشتی، آموزشی و تفریح و اوقات فراغت تأثیر چندانی نداشته است. لذا می‌توان گفت که هدفمندسازی یارانه‌ها باعث افزایش رفاه خانوارهای روستایی شده است.

۴. منصورفر و خلیلی (۱۳۹۳)، در تحقیقی با عنوان سنجش رضایتمندی مردم از طرح هدفمندی یارانه‌ها بر مبنای اهداف دولت به بررسی این موضوع پرداخته‌اند؛ این مطالعه تلاش می‌کند میزان رضایتمندی مردم از اجرای طرح هدفمندی بر اساس اهداف مذکور در متن طرح تحول اقتصادی را بین خانوارهای شهرستان ارومیه بر اساس سطوح مختلف درآمدی آن‌ها مورد ارزیابی قرار دهد. نتایج حاصل بیانگر این است که از دیدگاه مردم شهرستان ارومیه (نمونه تحقیق) دولت به اهداف مطرح در متن طرح تحول اقتصادی در زمینه اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها دست نیافته است.

۵. ملائی و خادمیان (۱۳۹۴)، در طی مقاله‌ای به دلایل اجتماعی و اقتصادی عدم انصراف شهروندان تهرانی از دریافت یارانه نقدی پرداخته‌اند؛ یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد ترس از

آینده، نارضایتی از وضعیت معیشتی، بدبینی و عدم اطمینان مردم به وضعیت اقتصادی و درآمد در آینده، عدم اعتماد مردم به دولت، اعتقاد به رانت‌خواری و فساد اقتصادی در کشور، عملکرد دولت از طریق رسانه‌ها به ترتیب مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در عدم انصراف مردم از یارانه است.

۶. صادقی، تقدیسی، کاوسی (۱۳۹۵)، در طی مقاله‌ای اثرات هدفمندی یارانه‌ها بر بهبود رفاه اجتماعی روستائیان بخش دهدز شهرستان ایذه را مورد بررسی قرار داده‌اند؛ نتایج کلی تحقیق نشان داده است بر اساس نتایج آزمون t تک نمونه‌ای هدفمندسازی یارانه‌ها، در افزایش سطح درآمدها، افزایش قدرت خرید، سطح کیفی زندگی مردم مؤثر بوده است، چراکه در تمامی متغیرهای مورد بررسی، عدد به دست آمده کمتر از $0/05$ بوده و مقایسه میانگین متغیرها با مقدار روند در مصرف منابع انرژی (آب و گاز و ...)، بهبود تغذیه و الگوی مصرف، کمتر تا متوسط تأثیر داشته است. لذا با توجه به مدت کوتاه اجرای طرح، تأثیرات مطلوب است و انتظار می‌رود که در آینده، موارد اجتماعی دیگر نیز، مورد بهبود به خود بگیرند.

۷. قاسمی، نوغانی و نورالهی (۱۳۹۶)، در طی مقاله‌ای به اثربخشی هدفمندی یارانه‌ها بر کیفیت زندگی روستائیان روستاهای بخش احمدآباد مشهد پرداخته‌اند؛ نتایج نشان داد که میانگین کیفیت زندگی خانوارهای روستایی در بعد اجتماعی از $3/17$ به $2/69$ و در بعد اقتصادی از $2/79$ به $2/45$ و در محیط کالبدی از $3/06$ به $2/84$ و در سازه کیفیت زندگی از 3 به $3/54$ در مرحله اول هدفمندی یارانه کاهش یافته است. در واقع طرح هدفمندی یارانه‌ها نتوانسته است در بهبود کیفیت زندگی خانواده‌های روستایی مؤثر باشد. اگرچه میانگین کیفیت زندگی در ابعاد مورد بررسی قبل از طرح هدفمندی پایین‌تر از حد متوسط ارزیابی بوده است، اما پس از اجرای طرح هدفمندی، میانگین کیفیت زندگی و ابعاد آن نسبت به قبل از اجرای طرح هدفمندی کاهش داشته است.

۸. تحقیق با عنوان اثرات اقتصادی هدفمندی یارانه‌ها بر معیشت خانوارهای روستایی شهرستان خوشاب (۱۳۹۷)، توسط ریاحی و سلطان‌آبادی نوشته شده است؛ نتایج تحقیق نشان داد پرداخت یارانه مستقیم در نواحی روستایی شهرستان خوشاب دارای اثرات مثبت مانند تقویت درآمد خانوار روستایی، رضایت و ماندگاری در نواحی روستایی و اثرات منفی مانند افزایش تورم و افزایش قیمت کالاها و خدمات شده است. همچنین اینکه، نحوه مصرف یارانه‌ها از سوی روستائینی که غالباً در زمینه امور روزمره است، قابلیت‌های برقراری اهداف سیاست اقتصادی توزیع یارانه‌ها را با چالش‌های جدی روبرو ساخته است. از این رو، تحقیق حاضر در برنامه‌ریزی در زمینه اثرات تحولات اقتصادی یارانه‌ها در نواحی روستایی تأکید نموده است.

مطالعات انجام‌شده خارجی

۱. لین و جیانگ (۲۰۱۱)، در طی مقاله‌ای به تخمین یارانه‌های انرژی در کشور چین پرداخته و اثرات اصلاح یارانه انرژی را بررسی کرده‌اند. با برداشتن یارانه‌های انرژی، یافته‌های پژوهش کاهش قابل‌توجهی در تقاضای انرژی را نشان می‌دهد. اما در طرف مقابل اثرات منفی بر روی متغیرهای اقتصاد کلان دارد. ایشان نشان دادند که در حالت حذف کامل یارانه، بدون باز توزیع درآمد باعث کاهش رفاه اقتصادی، کاهش تولید ناخالص داخلی و کاهش اشتغال می‌شود. درحالی‌که حذف کامل یارانه انرژی و باز توزیع ۳۵ درصد از درآمد آن به اقتصاد آثار مثبتی داشته به‌طوری‌که رفاه اقتصادی، تولید ناخالص داخلی و اشتغال افزایش می‌یابند. همچنین در حالت باز توزیع ۵۰ درصد ذخایر حذف یارانه، رفاه اقتصادی، تولید ناخالص داخلی و اشتغال با شدت بیشتری افزایش می‌یابند.

۲. بریشینگل و همکاران (۲۰۱۲) در مطالعه‌ای اثرات اصلاح کامل یارانه‌ها را در یمن بررسی کردند. نتایج این تحقیق به‌صورت کلی اثرات افزایش تعدیل یارانه‌ها را مثبت ارزیابی می‌کند، اما افزایش و یا کاهش فقر به نوع برنامه اصلاح یارانه‌ها بستگی دارد. محققین یک استراتژی خوش‌بینانه از اصلاح را پرداخت یارانه نقدی به سه دهک کم‌درآمد جامعه در طول مدت اصلاح معرفی می‌کنند.

۳. شوانگ لو و همکاران (۲۰۱۳)، در مقاله‌ای به بررسی اثرات برنامه‌های رفاه اجتماعی بر فقر و نابرابری درآمد در چین طی سال‌های ۱۹۸۹ تا ۲۰۰۹ میلادی پرداختند. یافته‌ها نشان می‌دهد برنامه‌های رفاه اجتماعی نقش مهمی در کاهش فقر (کاهش به میزان ۳۲ درصد) داشته‌اند؛ اما اثر برنامه‌ها بر نابرابری درآمد معکوس شد؛ به‌طوری‌که خانواده‌های با درآمد بالاتر بیشتر سود بردند و نابرابری در بین مناطق و پنج دهک درآمد نیز باگذشت زمان افزایش یافته است.

۴. راهولد آناند و همکاران (۲۰۱۳)، در طی مقاله‌ای به بررسی پیامدهای مالی و رفاهی اصلاحات یارانه سوخت در هند پرداختند. یکی از نگرانی‌های سیاست اصلاح یارانه‌ها تأثیر نامطلوب رفاه در خانوارها به‌ویژه خانوارهای فقیر است. به نظر می‌رسد یارانه‌های سوخت بسیار بد هدفمند بوده‌اند که ده درصد از ثروتمندترین خانوارها هفت برابر بیشتر از ده درصد فقیرترین سود دریافت می‌کنند. باوجوداین، اصلاح یارانه موجب صرفه‌جویی مالی قابل‌توجهی می‌شود،

افزایش مرتبط با سوخت و سایر قیمت‌ها درآمد واقعی خانوار را برای همه گروه‌های درآمد کاهش می‌دهد. بهترین هدفمندی یارانه سوخت به صورت کامل از خانواده‌های کم‌درآمد حمایت می‌کند در حالی که هنوز هم صرفه‌جویی خالص مالی قابل توجهی داشته است.

۵. خالد صدیق و همکاران (۲۰۱۴)، در طی مقاله‌ای به بررسی تأثیر حذف یارانه‌های واردات سوخت در نیجریه بر فقر پرداختند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد کاهش یارانه منجر به افزایش تولید ناخالص داخلی نیجریه گردیده است؛ اما شواهد حاکی از اثرات منفی بر درآمد خانوار به‌ویژه در خانواده‌های فقیر هستند.

۶. احمد فتحی و همکاران (۲۰۱۶)، به بررسی تأثیر اصلاح یارانه‌های سوخت در سال ۲۰۱۲ میلادی بر جلوگیری از کسری بودجه دولت مصر بدون آسیب زدن بر فقرای مصر پرداختند. این تحقیق نشان داد با از بین رفتن یارانه سوخت در مصر خانواده‌ای مصری شاهد کاهش رفاه بودند، این در حالی است که این موضوع باعث افزایش تولید ناخالص داخلی این کشور شده است.

۷. روسلان عبدالحکیم و همکاران، (۲۰۱۶)، در مقاله یارانه سوخت در مالزی؛ ارزیابی در رابطه با مصرف‌کنندگان، که تأثیر مستقیم رفاه ناشی از حذف یارانه سوخت در مالزی بررسی شده است. در این مقاله با استفاده از بررسی مخارج خانوار بین سال‌های ۲۰۰۴-۲۰۰۵ با نمونه‌ای از ۴۲۲۷ خانوار، تجزیه و تحلیل با تفکیک خانه‌های مسکن در ۳ گروه مختلف با تأثیر درآمد بر رفاه خانوار و کاهش یارانه‌ها انجام شده است. نتایج این مقاله، اصلاحات یارانه باید همراه با استراتژی‌ها و برنامه‌ها باشد تا تأثیرات منفی بر رفاه خانوار را نه تنها برای قشر کم‌درآمد بلکه قشر متوسط جامعه کاهش داد.

روش‌شناسی

این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از لحاظ جمع‌آوری اطلاعات توصیفی تحلیلی است. شالوده آن مبتنی بر عملیات پیمایشی پی‌ریزی شد که به شیوه پس‌رویدادی به ارزیابی تأثیر هدفمندی یارانه‌ها به‌عنوان متغیر مستقل بر سطح رفاه خانوارهای شهر تبریز به‌عنوان متغیر وابسته پرداخته شد. جامعه آماری این پژوهش سرپرستاران خانوارهای شهر تبریز بود که با توجه به حجم جامعه آماری و عدم دسترسی و زمان‌گیر بودن، نمی‌توان تمامی جامعه را مورد پرسش قرار داد. لذا بر اساس فرمول کوکران، نمونه آماری مناسب به تعداد ۳۸۴ انتخاب و نمونه‌گیری به روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای انجام گردید. بدین صورت که از هر ده منطقه شهر تبریز، سه محله

به صورت تصادفی انتخاب و در ۳۰ منطقه در بازه زمانی دوماهه پرسشنامه‌ها توزیع گردید. ابزار تحقیق شامل پرسشنامه‌ای محقق ساخته است که از دو بخش تشکیل شده است، بخش مربوط به اطلاعات دموگرافیک پاسخ‌دهندگان و بخش مربوط به قدرت خرید خانوار، صرفه‌جویی در مصرف انرژی، تغییر مصرف مواد غذایی، انسجام خانوادگی و سطح احساس نابرابری اجتماعی طراحی و بر اساس مقیاس پنج ارزشی لیکرت امتیازدهی شد. روایی پرسشنامه توسط ۷ نفر از اساتید متخصص دانشکده علوم سیاسی تهران مرکزی در طی یک آزمون اولیه از لحاظ محتوایی بررسی شده و پس از جمع‌بندی نظرات پرسشنامه نهایی در قالب پژوهش تنظیم گردید. در زمینه پایایی از تکنیک آلفای کرونباخ استفاده گردید. با توجه به آلفای به دست آمده برای هریک از گویه‌ها میزان هماهنگی درونی برای هریک از متغیرها در حد قابل قبول و پایا می‌باشد. در نهایت داده‌ها پس از جمع‌آوری با استفاده از نرم‌افزار آماری Spss مورد تجزیه و تحلیل و استنتاج قرار گرفتند.

شماره	متغیر	تعداد گویه	میزان آلفا کرونباخ
۱	قدرت خرید خانوار	۹	۰/۷
۲	صرفه‌جویی در مصرف انرژی	۴	۰/۷۴
۳	تغییر مصرف مواد غذایی خانوار	۹	۰/۸۸
۴	انسجام خانوادگی	۳	۰/۷۸
۵	احساس نابرابری اجتماعی	۳	۰/۸۱

بحث و یافته‌ها

یافته‌های توصیفی

بررسی ویژگی‌های فردی پاسخگویان در این تحقیق بیانگر میانگین سنی ۴۲/۹۳ سال است. توزیع سنی نیز بین کمینه ۲۲ و بیشینه ۷۵ سال در تعییر بود. تحصیلات اکثر پاسخ‌گویان فوق‌دیپلم و لیسانس بوده است. از نظر اشتغال ۳۹/۵۸ درصد جامعه دارای شغل آزاد، از لحاظ جنسیت ۸۷/۷۶ درصد پاسخگویان مرد، و ۹۷/۹۱ درصد پاسخگویان متأهل بوده‌اند و بیشترین افراد پاسخگو دارای منزل شخصی بوده و کمترین افراد در این تحقیق در خانه‌های سازمانی مربوط به ارگان‌های دولتی ساکن بوده‌اند.

جدول (۴): آمار توصیفی مشخصات دموگرافیک مشارکت کننده‌ها

متغیر	فراوانی	درصد
جنسیت	مردان	۳۳۷
	زنان	۴۷
سن	۲۲-۳۰ سال	۷۰
	۳۱-۴۰ سال	۱۲۲
	۴۱-۵۰ سال	۱۱۲
	۵۱-۶۰ سال	۵۰
	۶۰ سال و بالاتر	۳۰
سطح تحصیلات	بی سواد	۷
	ابتدائی	۳۲
	سیکل تا دیپلم	۹۰
	فوق دیپلم و لیسانس	۱۴۴
	فوق لیسانس و بالاتر	۱۱۱
تاهل	متاهل	۳۷۶
	مطلقه و فوت شده	۸
شغل	کارمند	۲۱۶
	آزاد	۱۵۲
	بدون شغل	۱۶
تعداد اعضا	۱ تا ۳ نفر	۲۰۵
	۴ تا ۶ نفر	۱۷۹
نوع منزل مسکونی	شخصی	۱۹۹
	اجاره ای	۱۸۲
	سازمانی	۳

یافته‌های استنباطی

بررسی فرضیه ۱: اثر طرح هدفمندی یارانه‌ها بر قدرت خرید خانوارها مثبت و معنی دار است.

همان‌طور که یافته‌های جدول شماره ۵ نشان می‌دهد حدود ۷۰ درصد بیان کرده‌اند که بعد از اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها کمتر توانسته‌اند برای خود و یا اعضای خانواده برخی کالاهایی را که تاکنون نخریده‌اند تهیه کنند. همچنین در حدود ۸۲ درصد اظهار داشته‌اند که بعد از اجرای

این طرح کمتر توانسته‌اند لوازم‌خانگی بادوام (یخچال، تلویزیون و...) تهیه کنند و نیز در حدود ۸۸ درصد پاسخگویان اشاره کرده‌اند که کمتر توانسته‌اند با پول یارانه اقدام به تعمیرات ساختمان و تغییراتی در دکوراسیون منزل نمایند. علاوه بر این، در حدود ۵۶ درصد پاسخگویان پاسخ داده‌اند که با داشتن کارت یارانه برای خرید در فروشگاه‌ها نیاز کمتری به پول نقد داشته‌اند. در حدود ۴۰ درصد از پاسخگویان بیان کرده‌اند که با حذف یارانه‌ی نان هزینه‌ی زندگی آنان به مقدار زیادی بالا رفته است. همچنین در حدود ۵۰ درصد پاسخگویان پاسخ داده‌اند که اصلاح قیمت یارانه‌ی بنزین باعث افزایش هزینه‌های زندگی آنان شده است. افزون بر این، حدود ۵۹ درصد از پاسخگویان بیان داشته‌اند که اصلاح قیمت یارانه‌ی آب، برق، گاز و... باعث افزایش بیشتر هزینه‌های زندگی شده است. علاوه بر این، حدود ۸۲ درصد از پاسخگویان بیان نموده‌اند که کمتر با پول یارانه می‌توانند شهریه مدرسه یا دانشگاه فرزندان خود را پرداخت نمایند. در نهایت ۴۸ درصد پاسخگویان اظهار داشته‌اند که پرداخت نقدی یارانه به مقدار کمی هزینه‌های زندگی آنان را جبران نموده است.

جدول (۵): آمار توصیفی رابطه‌ی اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها با قدرت خرید خانوار

سؤال‌های متغیر قدرت خرید	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	میانگین	انحراف معیار
تا چه حد بعد از اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها توانسته‌اید برای خود و یا اعضای خانواده برخی کالاهایی را که تاکنون نخریده‌اید تهیه کنید؟	۳/۱	۷	۷/۲۰	۲/۲۹	۸/۴۱	۹/۱	۰/۱/۱
تا چه حد بعد از اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها توانسته‌اید لوازم‌خانگی بادوام (یخچال، تلویزیون و...) تهیه کنید.	۴/۱	۳	۱۱	۱/۲۳	۵/۶۱	۸/۱	۳۸/۱
تا چه حد با پول یارانه اقدام به تعمیرات ساختمان و تغییراتی در دکوراسیون منزل نموده‌اید؟	۸/۱	۸/۲	۴/۶	۸/۲۲	۲/۶۶	۶/۱	۴۳/۵
تا چه حد با داشتن کارت یارانه هنگام مراجعه به فروشگاه‌ها نیاز کمتری به پول نقد دارید؟	۴	۱۰	۷/۲۶	۳/۲۹	۳۰	۳	۵۹/۷
تا چه حد اصلاح یارانه هزینه زندگی شما را بالا برده است؟	۱۶	۱/۲۵	۲/۲۹	۳/۱۷	۴/۱۲	۱/۳	۲۵/۱
تا چه حد اصلاح یارانه‌ی بنزین هزینه زندگی شما را بالا برده است؟	۲۹	۲/۲۶	۱/۲۲	۸/۹	۹/۱۲	۴	۱۶/۹
تا چه حد اصلاح یارانه‌ی آب، برق، گاز و ... هزینه‌ی زندگی شما را بالا است؟	۳۱	۱/۲۸	۲۰	۴/۹	۵/۱۱	۸/۳	۳۳/۱
تا چه حد پرداخت نقدی یارانه در هزینه‌های زندگی به شما کمک کرده است؟	۵/۱۰	۱۰	۱/۳۱	۲۶	۴/۲۲	۵/۲	۲۴/۱
تا چه حد با پول یارانه می‌توانید شهریه مدرسه یا دانشگاه فرزندان خود را راحت‌تر پرداخت نمایید؟	۷/۱	۳/۲	۹/۱۲	۳/۲۶	۸/۵۶	۷۸/۱	۹۲/۰

نتایج آزمون تی تک نمونه نشان می‌دهد که بین میانگین مورد انتظار (۲۷) و میانگین مشاهده شده (۲۰/۲۴) تفاوت معناداری وجود داشته و این تفاوت منفی بوده است. بنابراین می‌توان گفت اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها از نظر پاسخگویان باعث کاهش قدرت خرید خانوارها شده است.

بررسی فرضیه ۲: اثر اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها بر صرفه جویی در مصرف انرژی مثبت و معنی دار است.

همان‌گونه که یافته‌های جدول زیر نشان می‌دهد بیشتر از ۹۲ درصد پاسخگویان بیان داشته‌اند که پس از اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها به میزان زیادی هنگام خرید وسایل منزل به برچسب انرژی آن‌ها بیشتر توجه می‌کنند و وسایل کم مصرف انتخاب می‌کنند. علاوه بر این حدود ۵۶ درصد پاسخ دهندگان اظهار داشته‌اند که پس از اجرای این قانون به میزان متوسط رو به بالایی قبض‌های مصرفی انرژی هر دوره را کنترل می‌کنند. همچنین بیش از ۵۶ درصد گفته‌اند که: پس از اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها به میزان زیادی از اتلاف انرژی جلوگیری می‌کنند و از وسایل منزل به اندازه نیاز مصرف می‌کنند. و در نهایت حدود ۴۵ درصد پاسخگویان اظهار کرده‌اند که: به میزان متوسط رو به بالایی با صرفه جویی در مصرف انرژی مبالغی از یارانه نقدی برایشان باقی بماند.

جدول (۶): آمار توصیفی رابطه اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها با صرفه جویی در مصرف انرژی

سوال‌های متغیر مصرف انرژی	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	میانگین	انحراف معیار
تا چه حد هنگام خرید وسایل منزل به برچسب انرژی آن‌ها بیشتر توجه می‌کنید؟ (وسایل کم مصرف انتخاب می‌کنید)	۴۰	۲۲/۱	۱۴/۳	۱۴/۶	۹	۳/۵	۱/۳۵
تا چه حد اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها بیشتر از گذشته قبض‌های مصرفی هر دوره را کنترل می‌کنید؟	۲۰/۱	۲۵/۴	۳۰/۲	۱۴/۳	۱۰	۳/۳۱	۱/۲۵
تا چه حد با اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها از وسایل منزل به اندازه نیاز مصرف می‌کنید؟ (جلوگیری از اتلاف انرژی)	۲۳/۲	۲۹/۷	۲۸/۹	۱۵/۱	۳/۱	۳/۴	۲/۱
تا چه حد سعی می‌کنید با صرفه جویی در مصرف آب، برق، گاز و مقداری از پول یارانه برایتان بماند؟	۱۷	۲۴/۱	۲۴/۸	۱۷/۴	۱۶/۷	۲/۹	۱/۳۷

جدول شماره ۷ رابطه ی اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها با صرفه جویی در مصرف انرژی خانوارها را با استفاده از آزمون T تک نمونه ای نشان می‌دهد. بین میانگین مورد انتظار (۱۲) و میانگین مشاهده شده (۱۳/۵۲) تفاوت معناداری مشاهده می‌شود و این تفاوت مثبت است.

جدول (۷): بررسی فرضیه رابطه اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها با صرفه‌جویی در مصرف انرژی

متغیر: صرفه جویی در مصرف انرژی		میانگین معیار: ۱۲			میانگین		تعداد
خطای استاندارد	انحراف استاندارد	خطای استاندارد از میانگین	T	درجه آزادی	اختلاف میانگین	سطح معناداری	
۰/۲۰	۳/۷۱	۰/۲۰	۸/۰۱	۳۸۳	۱/۵۲	۰/۰۰۰	۳۸۴

بنابراین می‌توان گفت: از نظر پاسخگویان اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها موجب افزایش صرفه‌جویی در مصرف انرژی شده است.

بررسی فرضیه ۳: اثر اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها بر تغییر مصرف مواد غذائی خانوار مثبت و معنی‌دار است.

۶۲/۵ درصد از پاسخگویان بیان داشته‌اند که با اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها به میزان کمی توانسته‌اند برای اعضای خانواده خود مواد غذایی بهتری تهیه نمایند. علاوه بر آن حدود ۶۰/۵ درصد پاسخ دهندگان اظهار داشته‌اند که مصرف مواد غذایی خانواده آنها به دنبال اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها مقدار اندکی تغییر نموده است. حداقل چهل درصد از پاسخگویان این تغییرات را صفر دانسته‌اند ولی در مورد گوشت و میوه این تغییرات بیشتر بوده است. رابطه ی هدفمندی یارانه با تغییر مصرف مواد غذایی منفی بوده است. این بدان معناست که اجرای قانون هدفمندی یارانه نتوانسته است بر گرایش مردم به سمت مصرف مواد غذایی مطلوب اثر گذار باشد.

بررسی فرضیه ۴: اثر اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها بر انسجام خانوادگی مثبت و معنی دار است.

همان‌گونه که یافته‌های جدول ۸ نشان می‌دهد در حدود ۴۵ درصد پاسخگویان گفته‌اند که به میزان متوسط و کمی پول یارانه با سایر درآمدها ترکیب می‌شود و به صورت یکپارچه هزینه می‌گردد. همچنین بیشتر از ۶۸ درصد پاسخگویان اظهار داشته‌اند که به میزان اندکی در خانواده به دلیل هزینه کردن پول یارانه اعتراضی نسبت به سرپرست خانواده صورت می‌گیرد و در پایان بیش از ۷۷ درصد پاسخ دهندگان بیان داشته‌اند که اختلاف بین اعضای خانواده با پرداخت نقدی یارانه‌ها به میزان اندکی افزایش یافته است.

جدول (۸): آمار توصیفی رابطه اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها با انسجام خانوادگی

انحراف معیار	میانگین	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	سوال‌های متغیر انسجام خانوادگی
۵/۴۴	۳	۱۷/۷	۲۱/۲	۲۴/۷	۲۰/۱	۱۶/۳	تا چه حد در خانواده شما پول یارانه با سایر درآمدها ترکیب می‌شود و به صورت یکپارچه هزینه می‌گردد؟
۱/۲۷	۲/۴	۴۴/۵	۲۵/۱	۱۶/۳	۷/۷	۶/۴	تا چه حد در خانواده به دلیل هزینه کردن پول یارانه اعتراضی نسبت به سرپرست خانواده صورت می‌گیرد؟
۵/۴۷	۲/۱	۵۴/۸	۲۲/۱	۱۱	۶/۳	۵/۸	تا چه حد اختلاف بین اعضای خانواده با دریافت یارانه بیشتر شده است؟

همان‌گونه که یافته‌های این جدول نشان می‌دهد بین میانگین مورد انتظار (۹) و میانگین مشاهده شده (۹/۶۸) تفاوت معنادار و مثبتی مشاهده می‌شود. بنابراین می‌توان گفت اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها از نظر پاسخ دهندگان موجب افزایش انسجام خانوادگی شده است.

جدول (۹): بررسی فرضیه: رابطه اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها با انسجام خانوادگی

متغیر: انسجام خانوادگی		میانگین معیار: ۹			متغیر: انسجام خانوادگی		تعداد
میانگین	انحراف	خطای	T	درجه	اختلاف	سطح	
میانگین	استاندارد	استاندارد از	میانگین	آزادی	میانگین	معناداری	
۹/۶۸	۱/۷۷	۰/۰۹	۲/۱۷	۳۸۳	۰/۶۸	۰/۰۰۰	۳۸۴

بررسی فرضیه ۵: اثر اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها بر کاهش احساس نابرابری اجتماعی مثبت و معنی‌دار است.

بیشتر از ۶۷ درصد پاسخگویان اظهار داشته‌اند که پرداخت نقدی یارانه‌ها به مقدار کمی باعث کم شدن فاصله طبقات فقیر و ثروتمند جامعه شده است. در حدود ۶۰ درصد پاسخگویان پرداخت نقدی یارانه به روش کنونی را به میزان کمی عادلانه می‌دانند. و در حدود ۴۹ درصد معتقدند که وضعیت درآمد اقشار فقیر جامعه به میزان اندکی بهتر شده است.

جدول (۱۰): آمار توصیفی رابطه‌ی اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها با کاهش احساس نابرابری اجتماعی

سؤال‌های متغیر احساس نابرابری اجتماعی	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	میانگین	انحراف معیار
تا چه حد پرداخت یارانه باعث کم شدن فاصله طبقات فقیر و ثروتمند شده است؟	۶/۱	۷/۶	۲۱/۸	۳۱/۳	۳۴/۱	۲/۲	۱/۱۵
تا چه حد پرداخت نقدی یارانه‌ها به روش کنونی را عادلانه می‌دانید؟	۷	۹/۷	۲۱/۹	۲۴/۹	۳۶/۵	۲/۴	۵/۴۶
تا چه حد با پرداخت یارانه‌ها وضعیت درآمد اقشار فقیر جامعه بهتر شده است؟	۱۰/۳	۱۳/۴	۲۹/۲	۳۱/۴	۱۵/۷	۲/۳	۱/۲۴

همچنین در پاسخ به این سوال که اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها برای کدام یک از گروه‌های زیر دارای اثرات مثبت بوده همان طور که از نتایج جدول زیر پیداست، ۶۵/۶ درصد از پاسخگویان بیان داشته‌اند که اثرات مثبت اجرای این قانون برای طبقات پایین جامعه بیشتر بوده است، ۱۰ درصد گفته‌اند بیشترین اثرات مثبت این قانون برای طبقات متوسط بوده است، ۴ درصد اثرات مثبت بیان داشته‌اند اثرات مثبت اجرای این قانون برای طبقات بالای جامعه بیشتر بوده است، ۵/۴ درصد گفته‌اند برای هر سه طبقه اثرات مثبت داشته و ۱۳ درصد بیان کرده‌اند اجرای این قانون برای هیچ طبقه‌ای اثرات مثبت نداشته است.

جدول (۱۱): اثرات مثبت اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها

اثرات مثبت هدفمندی یارانه‌ها	درصد فراوانی
طبقه پایین	۶۴/۳
طبقه متوسط	۹/۹
طبقه بالا	۷/۵
هر سه طبقه	۵/۱
هیچ کدام	۱۵
جمع کل	۱۰۰

در خصوص پاسخ به این سوال که اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها برای کدام یک از گروه‌های زیر دارای اثرات منفی بوده است، از نتایج جدول زیر پیداست که ۱۶/۹ درصد از پاسخگویان بیان داشته‌اند که اثرات منفی اجرای این قانون برای طبقات پایین جامعه بیشتر بوده است، ۶/۹ درصد گفته‌اند بیشترین اثرات منفی این قانون برای طبقات متوسط بوده است، ۲۶

درصد بیان داشته‌اند اثرات منفی اجرای این قانون برای طبقات بالای جامعه بیشتر بوده است، ۸/۲ درصد گفته‌اند برای هر سه طبقه اثرات منفی داشته و ۴۲ درصد بیان کرده‌اند اجرای این قانون برای هیچ طبقه‌ای اثرات منفی نداشته است.

جدول (۱۲): اثرات منفی قانون هدفمندی یارانه‌ها

اثرات منفی هدفمندی یارانه‌ها	درصد فراوانی
طبقه پایین	۱۷/۱
طبقه متوسط	۷
طبقه بالا	۲۵/۳
هر سه طبقه	۹/۲
هیچ کدام	۴۱/۴
جمع کل	۱۰۰

در خصوص رابطه‌ی اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها با کاهش احساس نابرابری اجتماعی بین میانگین مورد انتظار (۱۵) و میانگین مشاهده شده (۱۴/۱۳) تفاوت معنادار و منفی مشاهده می‌شود. بنابراین می‌توان گفت: اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها از نظر پاسخگویان موجب کاهش احساس نابرابری اجتماعی نشده است.

نتیجه‌گیری

در خصوص تحقیق انجام‌شده در مورد بررسی آثار اقتصادی و اجتماعی هدفمندی یارانه‌ها بر سطح رفاه خانوارها (نمونه موردی شهر تبریز) نتایج به طور کلی نشان می‌دهد که طرح هدفمندسازی با توجه به اهداف مورد نظر، توانسته تا حدودی تحولات اقتصادی، اجتماعی و... را بوجود آورد. به گونه‌ای که تاثیر هدفمندی یارانه‌ها بر افزایش سطح درآمد خانوارهای شهر تبریز از آزمون t یک نمونه‌ای مورد تحلیل و استنباط قرار گرفت.

یافته‌های پژوهش در ابعاد اقتصادی و اجتماعی نشان دهنده‌ی موارد ذیل می‌باشد:

نتایج مربوط به تأثیر اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها بر قدرت خرید خانوارها نشان می‌دهد که پس از اجرای این قانون قدرت خرید خانوارها بهبود نیافته است. این در حالی است که به عقیده مجریان طرح، یارانه پرداختی می‌بایست تغییرات ناشی از افزایش قیمت‌های حامل‌های انرژی و بالا رفتن مخارج خانواده‌ها را پوشش داده و قدرت خرید آنان را افزایش داده یا حداقل در سطح گذشته نگه دارد.

یافته‌های تحقیق نشان‌دهنده‌ی رابطه‌ی مثبت میان هدفمندی یارانه‌ها با انسجام خانواده‌ها می‌باشد. هرچند که انجام چنین موضوع تحقیقی نیاز به مطالعه گسترده‌ای دارد ولی در حد وسع و توان پژوهش‌های دانشجویی داده‌ها نشان می‌دهند که اجرای این قانون بر انسجام خانواده‌ها تأثیرات مثبت داشته است. بطوریکه در حدود ۹۰ درصد سرپرستان خانوارها به میزان متوسط رو به بالایی بیان داشته‌اند یارانه نقدی را با سایر درآمدهای خانوار ترکیب می‌کنند و آن را با مدیریت یک نفر از اعضای خانواده هزینه می‌نمایند. همچنین بیش از ۹۰ درصد از افراد مورد پرسش اظهار داشته‌اند که به دلیل هزینه نمودن یارانه نقدی اعتراض کمی از طرف اعضای خانواده نسبت به آنان ابراز می‌گردد. علاوه بر آن بیش از ۷۰ درصد از پرسش‌شوندگان اظهار داشته‌اند که اختلافات بین اعضای خانواده با دریافت یارانه نقدی رشد بسیار کمی داشته است. که این موارد بیانگر انسجام نسبتاً بالای خانواده‌ها پس از اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها می‌باشد.

یافته‌های تحقیق مربوط به فرضیه کاهش احساس نابرابری اجتماعی نشان می‌دهد که در حدود ۹۰ درصد از افراد مورد پرسش روش کنونی پرداخت نقدی یارانه را عادلانه نمی‌دانند، یا به عبارتی مخالف پرداخت مساوی یارانه به همه افراد می‌باشند. همچنین بیش از ۹۰ درصد از آنان معتقدند که یارانه پرداختی به کاهش فاصله طبقات فقیر و غنی کمک کمی نموده است. باین حال در حدود ۵۰ درصد جامعه آماری اعتقاد داشته‌اند که با اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها وضعیت اقشار ضعیف جامعه بهتر شده است. و در حدود ۶۵ درصد اظهار داشته‌اند که بیشترین اثرات مثبت اجرای این قانون برای طبقات پایین جامعه بیشتر بوده است.

پیشنهادات

با توجه به نتایج پژوهش حاضر، پیشنهادات زیر مطرح می‌گردد:

(۱) با توجه به گستردگی موضوع هدفمندی یارانه‌ها ضرورت دارد جهت بررسی دقیق آثار اجرای این قانون بر ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و اقشار مختلف جامعه تحقیقات وسیع و جداگانه‌ای توسط دستگاه‌های مربوط در سطح ملی انجام شود.

(۲) با توجه به این‌که بسیاری از افراد مورد مطالعه نسبت به عادلانه بودن روش کنونی پرداخت یارانه‌ها تردید جدی داشتند جا دارد با شناسایی دهک‌های پایین درآمدی توسط تیم‌هایی مرکب از اقتصاددانان، جامعه‌شناسان و سیاست‌گذاران اجتماعی اقدام نموده و سپس با پرداخت هدفمند یارانه‌های نقدی به این دهک‌ها به کاهش احساس نابرابری اجتماعی را در سطح جامعه کمک کنند. هرچند این شیوه ممکن است مشکلاتی را در پی داشته باشد، اما به نظر می‌رسد که انجام آن اجتناب‌ناپذیر باشد.

۳) به نظر می‌رسد شیوه‌های دیگری مانند برقراری بیمه‌های تأمین اجتماعی برای افراد فاقد بیمه، ارائه خدمات اجتماعی به افراد نیازمند مانند سالخوردگان، زنان سرپرست خانوار و همچنین ایجاد اشتغال برای بیکاران و جوانان جویای کار می‌تواند مکمل روش فعلی پرداخت یارانه و حتی در مواردی جایگزین آن گردد.

۴) با توجه به این که در بعضی از خانوارها مردان فاقد صلاحیت و توانایی لازم برای سرپرستی و مدیریت خانواده به‌ویژه در بعد هزینه کرد خانوار می‌باشند، پرداخت مبالغی از یارانه به زنان و یا سایر اعضای خانواده می‌تواند راه‌حل مناسبی جهت تقویت اقتصادی خانواده‌ها و کمک به سایر اعضا به‌خصوص زنان و کودکان باشد.

منابع

- ابراهیمی ورکیانی، ملیکا (۱۳۹۱) *بررسی تأثیر طرح هدفمند کردن یارانه‌ها بر سید مصرفی خانوار روستای بخش آباد شهرستان دامغان*، پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.
- بخشوده، محمد (۱۳۹۰) *تعیین ذی‌نفعان برنامه پرداخت نقدی پس از هدفمندی یارانه‌ها در مناطق شهری ایران*. مدیریت شهری، سال نهم، ۲۹-۴۰.
- دینی‌ترکمانی، علی (۱۳۸۹) *هدفمندسازی یارانه‌ها هدف‌ها و چالش‌ها*، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، ۱۵۶-۱۷۱.
- رحیمی نیا، هیوا و اکبری مقدم، بیت‌اله و منجذب، محمدرضا (۱۳۹۴) *آثار تغییر در نظام یارانه‌ای ایران بر متغیرهای قیمتی و مقداری تولید داخلی و اشتغال (با استفاده از یک مدل CGE)*، فصلنامه تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی، ۵، ۱۹، ۷۳-۱۱۲.
- ریاحی، وحید و سلطان‌آبادی، ملیحه (۱۳۹۷) *اثرات اقتصادی هدفمندی یارانه‌ها بر معیشت خانوارهای روستایی شهرستان خوشاب*، اقتصاد فضا و توسعه روستایی، ۷، ۲۳، ۹۵-۱۱۲.
- صادقی، حجت و اتق‌دیدی، حمد و کاووسی، الهه (۱۳۹۵) *بررسی اثرات هدفمندی یارانه‌ها در بهبود رفاه اجتماعی روستائیان بخش دهنز شهرستان اینده*، مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، ۱۴۸-۱۲۷.
- صالحی اصفهانی، جواد (۱۳۹۶) *هدفمندی یارانه‌ها موجب کاهش نابرابری می‌شود؟* خبرنامه فرارو. <http://fararu.com/fa/news/46596>
- طولابی نژاد، مهرشاد و همکاران (۱۳۹۲) *ارزیابی نقش یارانه‌های نقدی بر رفاه اقتصادی و اجتماعی خانوارهای روستایی مطالعه موردی دهستان جایدر شهرستان پلدختر*، فصلنامه علمی پژوهشی فضای جغرافیایی، سال پانزدهم، شماره ۵۰، ۱۹-۳۷.
- عطایی، امید، درباره لایحه هدفمند کردن یارانه‌ها، بررسی مبانی، ملاحظات و محورهای لایحه، دفتر مطالعات مرکز پژوهش‌های مجلس، شماره مسلسل گزارش ۹۴۴۹.
- علیزاده، مهدی (۱۳۸۹) *درآمد بر تأثیرات اقتصادی هدفمند کردن یارانه‌ها (با نگرشی به طرح هدفمند کردن یارانه‌ها)*، اقتصاد شهر، ۸، ۲، ۹۶-۱۰۷.
- علیپور، محمدصادق و شریعت جعفری مینا (۱۳۹۶) *بررسی آثار هدفمندی یارانه‌ها بر بهره‌وری صنایع غذایی (مقایسه قبل و بعد از اجرای هدفمندی)*، پژوهشنامه اقتصاد و کسب‌وکار، ۸، ۱۴، ۱-۱۶.
- عیسی‌وند، لیلا و توحیدفام، محمد (۱۳۹۴) *بررسی علل شکست سیاست هدفمندسازی یارانه‌ها در ایران*، مجله تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، ۱۱، ۱۱-۳۸.
- فرزین، محمدرضا و حسینی سیدشمس‌الدین (۱۳۹۱) *مبانی طرح تحولات اقتصادی با تأکید بر هدفمند کردن یارانه‌ها*، وزارت امور اقتصادی و دارایی، معاونت امور اقتصادی.
- قاسمی، مریم و همکاران (۱۳۹۳) *تحلیل اثرات مرحله اول طرح هدفمندی یارانه‌ها بر خانوارهای روستایی (مطالعه موردی: شهرستان بینالود)*، پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، ۶.

قاسمی، وحید و طاهری، زهرا و مهربانی، مرضیه (۱۳۹۲) *تبیین رفاه اجتماعی و تأثیر آن بر احساس امنیت (مطالعه موردی شهر اصفهان)*، نشریه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۱۷.

قانون هدفمندی یارانه‌ها. <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/789036>.

کجباف (۱۳۸۹)، *تاریخچه یارانه‌ها در ایران و جهان*، اداره آموزش صداوسیما.

مرکز آموزش مدیریت دولتی (۱۳۸۸)، ۳۳-۳۲. <https://www.smtc.ac.ir/magazine>.

مصلى نژاد، عباس و یزدانی زازرانی محمدرضا (۱۳۹۲) *ارزیابی پسینی اجرای فاز نخست اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها از منظر نتیجه بخشی (از زمان اجرا تا پایان سال ۱۳۹۱)*، مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ۶، ۳۰-۷.

ملائی، لیلا و خادمیان، طلیعه (۱۳۹۵) *دلایل اجتماعی و اقتصادی عدم انصراف شهروندان تهرانی از دریافت یارانه نقدی*، رفاه اجتماعی، ۱۶، ۶۰، ۱۰۹-۱۳۵.

منصورفر، غلامرضا و خلیلی لیلا (۱۳۹۳) *سنجش رضایتمندی مردم از طرح هدفمندی یارانه‌ها بر مبنای اهداف دولت*، پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ۲۲، ۷۰، ۶۰-۱۳۹.

نوراللهی، عفت و قاسمی، مریم و نوغانی، محسن (۱۳۹۶) *اثربخشی هدفمندی یارانه‌ها بر کیفیت زندگی روستاییان روستاهای بخش احمدآباد شهرستان مشهد*، اقتصاد فضا و توسعه روستایی، ۶، ۲۱، ۵۷-۸۰.

هدفمندی یارانه‌ها، *پیشینه و سرنوشت* (۱۳۹۷)، اندیشکده سیاست‌های راهبردی اقتصاد و مدیریت.

Abdul Hakim, Roslan and Ismail, Russayani and Abdul Razak, Nor Azam (2016) *Fuel subsidy reform in Malaysia: An assessment on the direct welfare impact on consumers*, International Postgraduate Business Journal, 8 , 1, pp. 26-36. ISSN 2180-2459.

Breisingel, C and Engelke, W. and Ecker, O (2012), *Leveraging Fuel Subsidy Reform for Transition in Yemen*, Sustainability, USA, 4, 2862-2887.

Lin, Boqiang and Jiang, Zhujun (2011), *Estimates of energy subsidies in China and impact of energy subsidy reform*, Energy Economics, Elsevier, vol. 33, 2, pages 273-283.

Lu, S and Lin Y-T and Vikse J and Huang CC (2013), *Effectiveness of social welfare programmes on poverty reduction and income inequality in China*, Journal of Asian Public Policy, 6, 91-277.

Rahul Anand and Adil Mohommad (2013) Vimal V Thakoor, David Coady, *The Fiscal and Welfare Impacts of Reforming Fuel Subsidies in India*. Economic and Political Weekly, 49(28), 141-147.

Siddig, Khalid and Fathy, Ahmed and sodany, Naglaa and Samieh, Asmaa and Shahin, Amani and Abdelwahab, Noura (2016), *Can Fuel Subsidy Reforms in Egypt Reduce Budget Deficit without Harming the Poor*. <https://www.gtap.agecon.purdue.edu/resources>.

Todaro, Michael (1999) *Economic Development in the Third World*, Gholam Ali FarjadiBaztab Publications, Tehran.